

## ونیزویلا و انتخابات جدید



یکبار دیگر خلق بپا خاسته و ونیزویلا به امپریالیزم جهانی هوشدار دادند که نمیخواهند زیر پاشنه های استبداد و سیاستهای به ظاهر انسانی و اما دارای صبغه های ضدانسانی زنده گی کنند.

همه نیروهای مخالف دموکراسی، ترقی و بهزیستی در ونیزویلا انتخابات پنج سال قبل را برای آنکه توانسته باشند مردم را اغوا کنند، تحریم کردند تا بتوانند عدم ثبات سیاسی - اقتصادی را در کشور وسیله شوند. نتیجه چنان شد که کاندید های احزاب مترقی ونیزویلا حدود ۷۵ در صد آرا و چوکیهای پارلمان را بدست آوردند.

پارلمان درین مدت زمان پنج سال کارهای وسیعی را به نفع زحمتکشان آنکشور انجام داده و به بورژوازی وابسته کشورشان تفهیم کرد که بالا کشانیدن کشور به پله های "غیرقابل تصور" امکان پذیر است. همین نیروهای ضدترقی و پیشرفت از آنجاییکه در سطوح مختلف ادارات دولتی مصروف کار هستند کوشش کردند تا از طریق بیروکراسی سد راه انفاذ تعدادی از قوانین گردند و بخصوص قانون کار که نقطه مرکزی زنده گی آینده زحمتکشان را تشکیل میدهد، نتوانست راهگشای مشکل توده های زحمتکش این کشور گردد.

اینک بورژوازی فوق باهمه امکاناتی که در دست داشت کوشش کرد تا از طریق مذهب و دامنزدن به ناسیونالیزم محلی و منطقوی دوباره به پارلمان راهگشایی کرده و زمام امور را بدست گرفته و کشور را دوباره به عقبگرایی مواجه سازد.

واقعیت انتخابات کنونی چنین است که از جمله ۱۶۵ چوکی در پارلمان ونیزویلا ۹۸ چوکی در اختیار سوسیالیستها و کمونیستها قرار گرفت که نماینده گی از حزب متحد سوسیالیستی

ونیزویلا و حزب کمونیست ونیزویلا میکنند. باوجودیکه بورژوازی وابسته ونیزویلا با بدست آوردن ۶۴ چوکی از طریق جبهه یی بنام "میز وحدت دموکراتیک" کدام موفقیت چشمگیری را نصیب نگرديده اند ولی چنین ادعا میکنند که پیروزی در انتخابات از آن ایشان بوده است.

باید توجه کرد که جان مطلب در همین دماگوژی بورژوازی وابسته نهفته است. آنها اگر این بار موفق به قسمتی از آراء شدند در انتخابات بعدی اگر احزاب سوسیالیست و کمونیست وبالاحص شخص هوگو چاویس متوجه برانداختن نفوذ آنان نگردد، وضع در انتخابات بعدی ممکن است طور دیگری رشد کند.

از آنچه گفتیم باید آقای هوگو چاویس ودوستان هم‌رزمش در میان سوسیالیستها و کمونیستها قدمهای متینی در زمینه قانونی ساختن حقوق زحمتکشان وتسجیل آن در قانون اساسی کشور بردارند. از همه مهمتر تصویب وتسجیل قانون کار است که با تأسف در ظرف پنج سال گذشته نه تصویب ونه تسجیل گردیده است. از آزمونهای گذشته یک مطلب را باید آموخت وآن اینکه در چنین کشور هایی نمیشود صرفاً توده ها را بوسیله کمکهای پولی بطرف واقعتهای زنده گی رهنمون شد، بلکه حقوق شهروندی شانرا تضمین وتسجیل کرد، زمینه های آموزش وپرورش را گسترده وهمگانی ساخت ودرراه بهداشت توده های زحمتکشان ازهیچگونه مساعی دریغ نکرد، تا اعتماد به آینده را بدست آورند ودولتها وپارلمانهای کشور های شانرا یاری رسانند.

طوریکه امروز در پراتیک امریکا- ناتو می بینیم، پول نقش اساسی را در تطمیع توده های وسیع زحمتکشانی دارد که بدون رهبری سیاسی طعمه سیاستهای مزورانه آنان گردیده وحتى در مهار کردن رهبری تعدادی از احزاب سیاسی نیز مؤثر می افتد و برای سیستم سرمایداری پخش کردن پول کار بسیار مشکلی نیست. تجربه ونیزویلا برای کلیه احزابیکه در کشورهای عقب نگهداشته شده مصروف مبارزه اند، خلیلیها آموزنده است و با برداشتن گامهای متین رهبران سیاسی- دولتی ونیزویلا موفقیت از آن ایشان خواهد بود و بورژوازی وابسته آن محکوم به شکست است.